

مخالفت با منجی در زمان ظهور در اندیشه امامیه

مهناز محمدیان^۱

محمد مهدی کرباسچی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۸

چکیده

ظهور یک همواره مورد توجه اندیشمندان و همه پیروان ادیان الهی و بشری بوده است. امت اسلام نیز در انتظار ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه هستند. با این وجود پس از ظهور وی، برخی، با ایشان به ستیزه و مخالفت برمی‌خیزند. در این مقاله، ضمن طبقه‌بندی این مخالفان، دلایل ایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد. قرآن و روایات امامیه، مخالفان وی در زمان ظهورش را علاوه بر شیطان، دجال و سفیانی، به دو گروه غیر مسلمانان که شامل یهودیان، کفار و مشرکان و گروه مسلمانان که شامل منافقین، دنیاطلبان و نادانان بی‌بصیرت است تقسیم می‌کنند. مهم‌ترین دلایل مخالفت غیرمسلمانان، نژادپرستی، برتری‌جویی و دشمنی با دین اسلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌باشد و همچنین مهم‌ترین دلایل و یا بهانه مخالفت برخی از مسلمانان، پیروی از صیحه شیطانی، گمان به آوردن دین جدید، گمان به تأویل ناروای قرآن و استناد به قرآن تنظیم شده توسط علی علیه السلام، جوانی امام، مبارزه قهری و قاطع امام زمان علیه السلام با دشمنان، قضاوت به باطن افراد و با استناد به ادله غیر ظاهری و اجرای احکام شرعی واقعی و محاکمه برخی از ظالمان می‌باشد. واژگان کلیدی: امام زمان علیه السلام، ظهور، مخالفان.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اعتقادات امامیه همانند سایر فرق و مذاهب اسلامی و غیراسلامی دیگر که ریشه در وعده‌ی الهی در قرآن برای رسیدن میراث زمین به بندگان صالح خداوند و غلبه مستضعفین و فراگیری عدالت در زمین دارد، اعتقاد به ظهور یک منجی با نام و کنیه مشخص و علامت‌های آشکار است.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (mhdmahnaz20@yahoo.com).

۲. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه قرآن و حدیث (karbaschi.m@qhu.ac.ir).

در نهایت، این خلیفه الهی در زمین، جهان را پر از عدل و داد می‌کند، پس از آن که پر از ظلم و ستم شده است و تنها دین اسلام است که در آسمان‌ها و زمین باقی می‌ماند (آل عمران: ۸۳). هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند همه مردم جهان را به اسلام دعوت می‌کند. اما واقعیت آن است که با وجود ادله آشکار، همه مردم اسلام نمی‌آورند و حتی برخی به مخالفت با ایشان می‌پردازند و کار به جهاد و مبارزه فیزیکی می‌کشد.

بدیهی است با چنین وعده روشن و آثار پربرکت و فرجام خوش دنیا، قاطبه مردم در پشتیبانی حرکت عظیم قیام امام زمان علیه السلام خاضع خواهند بود و مخالفین در حد گروه‌هایی معاند محدود خواهند بود.

گزارش‌هایی که در اخبار از دوران ظهور به ما رسیده، مشحون از نزول برکات الهی، گستردگی علم، فراوانی نعمت‌ها، گسترش عدالت و برخورد قاطع با متعديان است که هر انسان منصفی را چشم‌انتظار این وعده الهی می‌کند و آنان که اعتقاد راسخی به تحقق این وعده دارند، همیشه از خداوند رسیدن زودتر آن را طلب می‌نمایند.

درباره قیام امام زمان علیه السلام و علائم ظهور وی اخبار فراوانی در مصادر فریقین وارد شده است؛ اما در رابطه با وقایع بعد از ظهور ایشان علاوه بر تشنّت روایات و خلط برخی از آنها با وقایع رجعت و قیامت، ابعاد ناشناخته زیادی وجود دارد.

اگرچه ظهور و قیام آن حضرت با اقبال عموم مردم و زمینه‌های اجتماعی و با دلایل آشکار صورت می‌گیرد؛ لکن علل مخالفت گروه‌های مختلف همچون مشرکان، اهل کتاب، منافقان و حتی مسلمانان با امام عصر علیه السلام براساس روایات رسیده به دست ما، کمتر شناخته شده است. البته لازم به ذکر است که بشارت‌ها، نشانه‌ها و دلایل متقن در زمان ظهور آخرین پیامبر الهی در صدر اسلام نیز دیده می‌شد ولی با این وجود مخالفت‌های بسیاری همراه با خشونت و عناد در مقابل آن حضرت هم وجود داشت.

در این مقاله سعی شده با استناد به قرآن کریم و روایات مصادر متقدم امامیه مخالفین امام زمان علیه السلام و دلایل این مخالفت‌ها را بشناسیم.

با توجه به کثرت روایت نقل شده مبنی بر لزوم شناخت امام (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۱۲)، لازم است که وی را بشناسیم و در پیروی و همراهی وی و دشمنی با مخالفانش، آگاهی‌های فردی و اجتماعی خود را افزایش دهیم.

شناخت مخالفان او و دلایل این مخالفت‌ها، غیر از آن‌که باعث برون رفت خود از این

انحراف است، می تواند به ما کمک کند که دشمنان را از جهت اعتقادی تضعیف نمائیم و در کنار دوستی و پیروی از خاندان رسالت، دشمنی با دشمنان آنان را با بصیرت و دانایی همراه سازیم و بصیرت دینی آحاد جامعه را افزایش دهیم و بدین وسیله گامی در جهت برپایی جامعه عدل جهانی با کمترین آسیب ها در زمان تشکیل آن برداریم.

مخالفتان امام زمان علیه السلام

برای آن که دسته بندی مناسبی از دلایل مخالفت با امام زمان علیه السلام در زمان ظهور ارائه شود لازم است مخالفتان ایشان را در گروه های خاصی طبقه بندی نمود.

روشن است که مخالفت با امام زمان علیه السلام از مخالفت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله جدا نیست؛ چرا که دین خاتم و دین وصی آخر ایشان، یک دین است. اگرچه که ممکن است دلایل مخالفت با دین در برخی موارد متفاوت باشد؛ اما منشأ اصلی آن یکی است. شاید تلقی برخی این باشد که دین امام زمان علیه السلام دین جدیدی است. در برخی روایات بدین مطلب تصریح شده است که مردم تصور می کنند دین جدیدی آمده است.

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي بُدْوِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ (ربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۶۵).

يُقَوْمُ الْقَائِمُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ... (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۳۳).

در حالی که دین یکی بیش نیست و تمام آن چه بر دین خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله حاکم بوده بر دین خاتم الاوصیاء علیه السلام نیز حاکم است. تمام موافقت ها و مخالفت ها و انگیزه های شان برای هر دو (پیامبر صلی الله علیه و آله و امام زمان علیه السلام) یکی است و تفاوتی نمی کند. به این ترتیب با شناختی که از مخالفتان پیامبر صلی الله علیه و آله در دست می باشد برخی مخالفتان امام زمان علیه السلام را نیز می توان شناسایی کرد.

شیطان

مهم ترین دشمن انسان و انسانیت و به تبع آن، امام زمان علیه السلام و اسلام، ابلیس است (یوسف: ۵). وی اگرچه به طور مستقیم تسلطی بر انسان ها ندارد؛ اما با فریبکاری، آنها را به امور ناپسند تشویق می کند یا با ایجاد دشمنی و نزاع بین مردم آنها را گمراه می سازد، یا بین آنها اختلاف می اندازد. یکی از راه های دشمنی شیطان، ایجاد اختلاف و کینه بین مردم از طریق القای گفتار نادرست و خصمانه یا دروغ و غیبت می باشد. شیطان به عنوان ولی غیرمؤمنان و دشمن مردم

نامیده شده است. موجودی که بین مردم فتنه‌انگیزی می‌کند و ناپاکی‌ها را آشکار می‌کند و موجب دوری ما از بهشت می‌شود. پنهان‌کاری شیطان یکی از ویژگی‌های شیطان است که در قرآن به آن پرداخته شده است.

آیاتی از قرآن اشاره می‌کند که به اجازة الهی، شیطان تا روز مشخصی مهلت دارد تا از نسل آدم، جز اندکی را لجام گمراهی بزند تا هر که از او تبعیت کند را به جهنم بکشاند (حجر: ۳۸؛ ص: ۸۰). شیطان قادر خواهد بود هر که را بتواند با آواز و صدایش به باطل برانگیزاند و با نیروهای سواره و پیاده خود، آنان را جلب نماید و در اموال و فرزندانشان شریک شود و وعده‌های دروغین دهد که وعده‌های شیطان تماماً گمراه‌کننده است (اسراء: ۶۴).

اما شیطان از روز اول می‌دانسته که دست او بر بخشی از بندگان مخلص خدا بسته است و نمی‌تواند آنها را گمراه کند. ائمه معصومین علیهم‌السلام بندگان مخلص خداوند هستند و بنابراین روش دشمنی شیطان بر فریب آنان متمرکز نیست؛ بلکه مکرهای وی تنها برای دوستان اهل بیت علیهم‌السلام است.

در دوران ظهور، شیطان که بسیاری از راه‌های دشمنی خود را بسته می‌بیند، تمام تلاش خود را در دشمنی می‌کند و ابزارهای خود برای گسترش قتل و ظلم و بی‌عدالتی در میان مردم به کار می‌گیرد.

بنابر روایت رسیده، وقت معلوم برای شیطان، پس از ظهور امام زمان علیه‌السلام است که آن حضرت پیشانی او را می‌گیرند و گردنش را می‌زنند!

إِنَّ اللَّهَ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُ فِيهِ قَائِمًا فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَجَاءَ إِبْلِيسَ حَتَّى جُثَّوَبَيْنَ يَدِيهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَيَقُولُ يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِكَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (عیاشی، ۱۳۸۰، ق: ۲، ۲۴۲).

دجال

یکی از مخالفان دوران ظهور امام زمان علیه‌السلام بنا به اخباری که عمدتاً از مصادر غیرشیعه نقل شده، موجودی به نام دجال است. یکی از این روایات شیعی، حدیثی است که صدوق در کتاب *کمال‌الدین* از امام علی علیه‌السلام نقل کرده است (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ق: ۲، ۲۰۵).

دجال را نمی‌توان جزئی از جریان عادی مخالف امام زمان علیه‌السلام دانست و در طبقه عمومی جامعه رده‌بندی کرد. برخی از اخبار، اشاره‌هایی بر توانمندی غیرعادی دجال دارند؛ قدرتی که

با قدرت‌های عادی روزگار ظهور قابل انطباق نیست. همچنین نمی‌توان آن را از انسان‌های معمولی دانست؛ اما عمده این اخبار غیرقابل استناد بوده و در مصادر معتبر شیعه یافت نمی‌شود.

مرحوم علامه سیدمحمد صدر در جلد سوم *موسوعة الامام المهدي* علیه السلام با عنوان «تاریخ الغیبة الکبری» بحث مفصلی را به بررسی دجال اختصاص داده است؛ وی معتقد است که اخبار دجال مبتلا به دو اشکال جدی هستند. اول ضعف سندی، دوم دلالت بر ایجاد معجزات مضله که به لحاظ قوانین کلامی محال است که خداوند سبحان قدرت خرق عادت و اظهار معجزه را به افراد گمراه و گمراه‌کننده واگذار کند. ایشان احتمالی را بیان می‌کند که دجال الزاماً انسان نیست. با توجه به برخی احادیث که بیان می‌کند ذلک امر...، دجال چیزی است... یعنی دجال یک فرهنگ است.

سفیانی

خروج و قیام سفیانی قبل از ظهور امام زمان علیه السلام است. این فتنه با ظهور امام ادامه داشته و براساس روایات، پس از جنگ‌های مهم و طولانی لشکر وی نابود می‌شود.

در روایتی امر سفیانی و قبل از ظهور امام بودن وی از حتمیات شمرده شده است.

عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فَجَزَى ذِكْرَ الْقَائِمِ علیه السلام فَقُلْتُ لَهُ أَرَجُ أَنْ يَكُونَ عَاجِلاً وَلَا يَكُونُ سُفْيَانِي فَقَالَ لَا وَاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُحْتَمُونَ الَّذِي لَا بُدَّ مِنْهُ (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۳۰۱).

بعد از قیام امام زمان علیه السلام و جمع شدن یاران ایشان، درگیری اصلی با سپاه سفیانی در منطقه بیداء صورت می‌گیرد و به شکست سپاه سفیانی می‌انجامد. در این جریان، تنها سفیانی مخالف امام زمان علیه السلام نخواهد بود. در مدینه نیز بخشی از قریش به جنگ با ایشان روی می‌آورند. نبرد دیگری بین سپاه امام زمان علیه السلام و سپاه سفیانی در نزدیکی کوفه نقل شده است (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۳۰۱) که به شکست سپاه سفیانی می‌انجامد. سفیانی مجدداً با تشویق اطرافیان شورش می‌کند و سرانجام به دست امام زمان علیه السلام نابود می‌گردد.

مخالفان غیرمسلمان امام زمان علیه السلام

مخالفان غیرمسلمان آن حضرت را می‌توان در سه دسته تقسیم نمود: کافران، یهودیان و مشرکان.

کافران

مشخص است که کافران به طور عام با دین خدا دشمنی می‌کنند و بر همین مبنا با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صدر اسلام و با امام زمان علیه السلام در زمان ظهور به مخالفت می‌پردازند.

بر طبق آیات قرآن کریم، خداوند کافران را دشمن خود و دشمن دوستان خود معرفی نموده و تأکید کرده که از دوستی با آنان پرهیز نمایید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمُودَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ﴾ (ممتحنه: ۱)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خود را دوست مگیرید، و با وجود کفرورزیدن ایشان به دین حق، با آنان ابراز دوستی مکنید.

کافران می‌خواهند نور خداوند را با سخنان خویش خاموش کنند و برای رسیدن به مقصود از هیچ امری فروگذار نمی‌کنند:

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُشِيعَ نُورُهُ وَلَكُمُ الْكَافِرُونَ﴾ (توبه: ۳۲)؛

می‌خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی‌گذارد تا نور خود را کامل کند هرچند کافران را خوش نیاید.

کافران در طول تاریخ با همه معارف توحیدی مخالفت داشته و دشمنی خود را با دین و اعتقاد به آفریدگار یکتا و روز جزا بروز داده‌اند و در زمان ظهور نیز بر همان مبنا با امام زمان علیه السلام به مخالفت برمی‌خیزند.

یهود

یهود نیز در ابتدای ظهور از جمله مخالفان عمده امام زمان علیه السلام محسوب می‌شوند و تمام سعی خود را برای جلوگیری از پیروزی امام زمان علیه السلام به کار می‌بندند اما پس از پیروزی امام زمان علیه السلام و تسلط ایشان عملاً بعد از مدتی که جزیه می‌پردازند، به طور کلی از بین می‌روند و جایگاهی در اجتماع بشری نخواهند داشت.

اگرچه یهودیان بخشی از مشرکان محسوب می‌شوند، اما همان طور که در طول تاریخ و مستند به آیات قرآن مطرح بوده، یهود بارزترین و عنودترین دشمن نسبت به مؤمنان می‌باشد (مائده: ۸۲). یقیناً سرسخت‌ترین مردم در کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان، یهود و مشرکان می‌باشند. آنان همواره در زمین برای فساد می‌کوشند و خداوند آتش جنگ‌هایی را که

به راه می‌اندازند خاموش می‌سازد و بین آنها کینه و دشمنی می‌اندازد(مأئده: ۶۴). خداوند در قرآن خطاب به مؤمنان می‌فرماید که یهود(و نصاری) را دوست و ولی خود انتخاب نکنید. اگر آنها را دوست و سرپرست خود کنید شما هم دور از اسلام خواهید بود(مأئده: ۵۱).

آنان چون انبیا را مانعی برای رسیدن به اهداف خود می‌دانستند، همواره قصد نابودی آنان را داشتند. درباره پیامبرکشی یهود آمده است(بقره: ۶۱) که آنها بسیاری از پیامبران را با روش‌های گوناگون از قبیل سربریدن،^۱ زنده در چاه انداختن،^۲ در دیگ جوشانیدن،^۳ سوزاندن^۴ و... اذیت کردند و یا کشتند و غیر از آن، واسطه کشتن بسیاری از پیامبران به امر پادشاهان و به دست کفار و مشرکان گردیدند(نساء: ۱۵۴-۱۵۵).

آنها از ولادت پیامبر آخرالزمان در منطقه حجاز اطلاع داشتند، لذا برخی از آنها از بدو تولد پیامبر اسلام ﷺ، مترصد فرصتی برای نابودی ایشان بودند. بعد از بعثت نیز از هر روشی برای دشمنی و مخالفت استفاده کردند و این دشمنی آنان تا زمان ظهور آخرین وصی ایشان نیز استمرار خواهد داشت.

مشرکان

گروه دیگر مخالفان غیرمسلمان شامل مشرکان هستند(مأئده: ۸۲). مشرکان متناسب با انگیزه‌ها و پایگاه‌های اجتماعی خود و زمینه‌های فکری که در طول تاریخ داشته‌اند، طیف گسترده‌ای از مخالفان امام زمان ﷺ را تشکیل می‌دهند که البته در همین بازه گسترده، روش‌های مخالفت و عمق آن، متنوع‌تر بوده و امام زمان ﷺ نیز در قبال آنها از امکانات و سازوکارهای متفاوتی بهره جسته و با هر گروه به روش خاصی به مبارزه خواهند پرداخت. سایر مشرکان نیز به واسطه مبانی فکری و سوابق اعتقادی خود در زمان ظهور به مخالفت با امام زمان ﷺ می‌پردازند اما به واسطه قدرت فائقه و دلایل و براهین قاطع امام زمان ﷺ و پیروی حضرت مسیح ﷺ به تدریج ضعیف گردیده، نابود می‌شوند.

۱. حضرت یحیی ﷺ.

۲. حضرت یوسف ﷺ.

۳. جرجیس پیامبر ﷺ.

۴. حضرت ابراهیم ﷺ.

مخالفان مسلمان امام زمان علیه السلام

مخالفان مسلمان آن حضرت را می‌توان در سه دسته تقسیم نمود: منافقان، دینداران بی‌بصیرت، دنیاطلبان و عافیت‌جویان و قدرت‌طلبان.

منافقان

در رابطه با مخالفین آن حضرت از بین مسلمانان همان‌طور که در دوران بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و استقرار حکومت نبوی هم در آیات بسیاری به آن اشاره شده است، از مهم‌ترین گروه‌های اصلی مخالف اسلام و امام زمان علیه السلام منافقین می‌باشند. اگرچه منافقین را از حقیقتاً نمی‌توان جزء مسلمانان دانست؛ اما به‌ناچار در طبقه‌بندی عمومی به دلیل آن که اسلام آوردن ظاهری منافقین مبنای فقهی اسلام می‌باشد آنان را در گروه مسلمانان قرار داده و مخالفت منافقان با پیامبر صلی الله علیه و آله در صدر اسلام و مخالفتشان با امام زمان علیه السلام در زمان ظهور در این گروه طبقه‌بندی می‌شوند.

دینداران بی‌بصیرت

گروه عمده دیگر مخالفان آن حضرت در زمان ظهور از میان مسلمانان را می‌توان دینداران بی‌بصیرتی دانست که چه بسا اهل راز و نیاز و نماز و عبادت می‌باشند، اما با ظهور امام زمان علیه السلام به دلیل برداشتی که از ظواهر اسلام دارند و مشی و سیره امام زمان علیه السلام با آن مغایرت دارد به مخالفت با ایشان می‌پردازند. این گروه هم می‌تواند بخش بزرگی از علما و مردم اهل تسنن را شامل شود و هم می‌تواند بخشی از علمای شیعه و پیروان آنها را دربرگیرد. در قرآن نیز اشاره‌ای بدین افراد شده است (فرقان: ۳۰-۳۱). شاید بتوان گفت یکی از سخت‌ترین مبارزات امام زمان علیه السلام پس از گروه منافقان با این گروه باشد.

دنیاطلبان، عافیت‌جویان و قدرت‌طلبان

گروه دیگری از میان مسلمانان مخالف امام زمان علیه السلام عافیت‌طلبان و رفاه‌جویانی هستند که استقرار حکومت عادلانه امام زمان علیه السلام را مغایر منافع خود می‌بینند و منافع مادی دارند که با قیام امام زمان علیه السلام و نحوه حکومت بعد از ظهور از بین می‌رود.

این گروه با این که به حقانیت امام آگاهی دارند، اما تصورشان این است که می‌توان به هر نحو به صورت شخصی و یا سازمان‌یافته منافع نامشروع خود را در مخالفت با امام زمان علیه السلام یا عوامل ایشان حفظ نمایند (ممتحنه: ۱).

همچنین برخی از کسانی که به مخالفت با امام زمان علیه السلام برمی خیزند، کسانی هستند که برای خود جایگاه مردمی یا حکمرانی به دست آورده‌اند و در زمان ظهور این جایگاه‌ها را از دست می‌دهند و تلاش می‌کنند با نیرنگ و فریب و جمع کردن اطرافیان خود، امام زمان علیه السلام را در شرایطی قرار دهند که بتوانند بیشترین سهم را از جایگاه اجتماعی خود حفظ کنند. این چنین افرادی در زمان امام علی علیه السلام نیز با عنوان ناکثین سر به مخالفت با ایشان برداشتند و اولین فتنه‌ها را پس از صدر اسلام ایجاد کردند.

إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ تَمَّالُوا عَلَيَّ سَخَطَةَ إِمَارَتِي وَ سَأَصْبِرُ مَا مَ أَخْفَى عَلَيَّ جَمَاعَتِكُمْ فَإِنَّهُمْ إِنْ تَمَّمُوا عَلَيَّ فَيَالَةَ هَذَا الرَّأْيِ انْقَطَعَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَإِنَّمَا طَلَبُوا هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَدًا لِمَنْ أَفَاءَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ فَأَرَادُوا رَدَّ الْأُمُورِ عَلَيَّ أَدْبَارَهَا وَ لَكُمْ عَلَيْنَا الْعَمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ [سُنَّةِ رَسُولِهِ] سِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ وَ الْقِيَامُ بِحَقِّهِ وَ النَّعْشُ لِسُنَّتِهِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶).

دلایل مخالفت غیرمسلمانان

کافران، مشرکان به ویژه یهود همان طور که در طول تاریخ به دشمنی با دین خدا می پرداخته‌اند در زمان بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و در تمام دوران پس از آن نیز به دلایل مختلف با انبیاء و اولیاء الهی سر عناد داشته‌اند.

در زمان ظهور نیز که امام زمان علیه السلام برای استقرار دین اسلام و خداپرستی قیام می نماید این مخالفت‌ها به شکل تام خود تجلی پیدا می کند و تمام گروه‌های معاند با اسلام به دشمنی با امام زمان علیه السلام می پردازند.

نژادپرستی

یکی از تعالیم مهم یهود، نژادپرستی است به نحوی که آنان خود را قوم برتر دانسته بسیاری از محرمات را بر خود مباح دانسته اموال غیریهود را تصرف کرده و حق خود می دانند. حتی برخی احکام سختگیرانه برای خود وضع کرده‌اند تا خود را از دیگران جدا کنند. نژادپرستی آنان در حدی است که گویی دو واژه یهود و نژادپرستی درهم آمیخته است و در تاریخ ملاحظه می شود هر جا نژادپرستی نمود داشته تعالیم یهود مؤثر بوده است.

یهود مدعی نجات در آخرت است. نژادپرستی یهود موجب شده که به نجات یهودیان از دوزخ معتقد باشند و سعادت اخروی را مختص یهود بدانند در این زمینه آیات و روایاتی آمده که به ذکر آنها می پردازیم.

یهودیان هرگز خود را اهل آتش (دوزخ) نمی دانند بلکه می گویند چند روزی در آن هستیم و

سپس به بهشت می‌رویم (بقره: ۸۰).

به هر حال آیه فوق با یک بیان منطقی، این پندار غلط را ابطال می‌کند و می‌گوید این گفتار شما از دو حال خارج نیست: یا باید عهد و پیمان خاصی از خدا در این زمینه گرفته باشید، که نگرفته‌اید و یا دروغ و تهمت به خدا می‌بندید.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (جمعه: ۶):

بگو ای کسانی که یهودی شده‌اید اگر پندارید که شما دوستان خدائید نه مردم دیگر پس اگر راست می‌گوئید درخواست مرگ کنید.

﴿قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره: ۹۴):

بگو اگر در نزد خدا سرای بازپسین یکسر به شما اختصاص دارد نه دیگر مردم پس اگر راست می‌گوئید آرزوی مرگ کنید.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا تُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا﴾ (بقره: ۹۱):

و چون به آنان گفته شود به آن چه خدا نازل کرده ایمان آورید می‌گویند ما به آنچه بر خودمان نازل شده ایمان می‌آوریم.

در دوران ظهور نیز بسیاری از مردم، نژاد و قومیت خود را برتر از سایر اقوام و نژادها می‌دانند و ظهور و امامت و فرمانروایی امام زمان علیه السلام را به دلیل آن که از نژاد اسرائیل نیست بر نمی‌تابند. آنان در تعالیم دینی و فرهنگی خود پیوسته تبلیغ کرده‌اند که منجی آخرالزمان از قوم بنی اسرائیل است و در نبرد بزرگ، ضدیهود را شکست خواهد داد. آنان هر قوم دیگر را قوم پست و در خدمت یهود و برای عافیت یهود تلقی می‌کنند. واضح است که با چنین اندیشه‌ای امام زمان علیه السلام را که از فرزندان اسماعیل علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد را نه تنها به عنوان منجی نمی‌شناسند بلکه در مقابل منجی آخرالزمان می‌شناسند و به مخالفت و مبارزه با امام زمان علیه السلام می‌پردازند.

برتری جویی

در زمان ظهور بسیاری از کسانی که از امتیازات ویژه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برخوردار بوده‌اند برای حفظ برتری خود و جایگاه ویژه‌ای که دارند به مبارزه با امام زمان علیه السلام می‌پردازند. آنان با ایجاد ساختارهای قدرت و ثروت و نفوذ اجتماعی بر منابع دنیا و دسترنج مردم تسلط داشته و هر کدام در حد مقدرات خود بخشی از جوامع را تحت سلطه خود می‌گیرند.

خداوند به یهود می‌فرماید ای بنی‌اسرائیل از نعمت‌هایی که بر شما ارزانی داشتیم و از این‌که من شما را بر جهانیان (مردم زمان خویش) برتری دادم یاد کنید (بقره: ۴۷)، اما یهود این برتری را هم چنان از آن خود می‌داند. در قرآن برتری جویی یهود آمده که در تورات پیشگویی شده.

با ظهور امام زمان علیه السلام این ساختارهای ظالمان در هم می‌شکند و خداوند مستضعفین را ائمه و وارثین زمین قرار می‌دهد. بنابراین گروه سلطه‌گر و برتری‌جو با تمام توان به مقابله با امام زمان علیه السلام برمی‌خیزند.

دشمنی با اسلام

برخی از غیرمسلمانان حتی بدون انگیزه‌های مادی و از روی لجاجت و کفر با اسلام دشمنی ورزیده و تفوق اسلام را تحمل نمی‌کنند. اینان با توجه به این‌که امام زمان علیه السلام در زمان ظهور، اسلام راستین را تبلیغ می‌کند و شریعت پیامبر صلی الله علیه و آله را در دنیا گسترش می‌دهد به مخالفت با امام زمان علیه السلام برخاسته و برای جلوگیری از نفوذ تعالیم اسلامی مبارزه می‌کنند. اینان حتی حاضرند خود صدمه ببینند و نابود شوند اما امام زمان علیه السلام در بسط معارف اسلامی موفق نباشند همان‌طور که در صدر اسلام نیز کسانی می‌گفتند اگر پیامبر صلی الله علیه و آله راست می‌گوید عذاب بر آنها نازل شود تا موفقیت اسلام را نبینند (مائده: ۶۴).

دلایل مخالفت مسلمانان

انتظار می‌رود در زمان ظهور امام زمان علیه السلام مسلمانان با اعتقاد به موضوع مهدویت همراه و یار ایشان باشند اما با توجه به روایات مختلف چنین برداشت می‌شود که مخالفت‌های بسیاری با دلایل مختلف با ایشان می‌شود که در این‌جا به بررسی این دلایل پرداخته می‌شود.

پیروی از صیحه شیطانی

از علائم محتوم پیش از ظهور، صیحه یا ندای آسمانی است و در نامه امام زمان علیه السلام به آخرین نایب خود تصریح شده که هر کس پیش از وقوع صیحه و خروج سفیانی ادعایی مشاهده کند، دروغگو است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۵۱۶) و این خود دلیلی محکم است که پیش از ظهور، خروج سفیانی و ندای آسمانی اتفاق خواهد افتاد (ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۶۵).

در آن روز صدائی از آسمان شنیده می‌شود که می‌گوید فلانی پسر فلانی همان امام شماسست و نام او را ذکر می‌کند. آن‌گاه شیطان از زمین همان صدائی می‌زند که در شب عقبه به رسول خدا ﷺ زد.

شیخ مفید در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ این‌گونه نقل کرده است:

هنگامی که نزدیک خروج قائم ﷺ شد، نداده‌های از آسمان آواز می‌دهد و به مردم خبر به سر رسیدن زمان ستمگران را می‌گوید و... این که خود را به مکه برسانید (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۰۸).

در کتاب تفسیر قمی، در تفسیر آیه ۴۱ سوره ق ﴿وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ یعنی و گوش فرا ده و منتظر روزی باش که منادی از مکانی نزدیک ندا می‌دهد، چنین آمده که علی بن ابراهیم از امام صادق ﷺ روایت کرده که فرمود:

منادی ندا می‌کند به اسم قائم ﷺ و اسم پدرش، روزی که می‌شنوند فریاد را به راستی این است روز خروج (در تفسیر همان آیه که) صیحه (آسمانی و از علائم ظهور) قائم ﷺ است (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۳۲۷).

در کتاب الغیبه نعمانی از ناجیه عطار روایت شده که از امام محمد باقر ﷺ شنید که می‌فرمود:

گوینده آسمانی بانگ می‌زند مهدی فلانی پسر فلانی است و نام خود او و پدرش را می‌برد سپس شیطان هم بانگ می‌زند که فلانی و پیروان او بر حق است یعنی مردی از بنی امیه بود (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۶۴).

در کتاب نامبرده از زراره روایت شده که گفت شنیدم امام صادق ﷺ می‌فرمود:

گوینده‌ای از آسمان بانگ می‌زند که فلانی (مهدی) رئیس شماسست و علی و شیعیان او رستگارند. من عرض کردم پس بعد از این اعلان کی با مهدی می‌جنگد؟ فرمود: شیطان هم بانگ می‌زند فلانی و پیروان او رستگارند که مقصود مردی از بنی امیه می‌باشد. عرض کردم چه کسانی راست را از دروغ تمیز می‌دهند؟ فرمود: کسانی که این موضوع را قبلاً روایت کرده‌اند، و پیش از این که روی دهد معتقدند که چنین چیزی روی می‌دهد، می‌دانند که طرفدار حق و راستگویان خود آنها می‌باشند (همان).

همچنین در همان کتاب از هشام بن سالم روایت شده:

شیعیان عقیده دارند که دو صدا شنیده می‌شود. کدام راست و کدام دروغ است (یعنی چگونه می‌توان راست و دروغ آن را تشخیص داد؟) امام صادق ﷺ به آن فرد فرمودند آنچه در این خصوص به ما خبر داده‌اند و تو آن را انکار می‌کنی، همان راست است (همان: ۲۶۵).

در کتاب *کمال الدین* روایت شده از زراره از امام صادق علیه السلام که فرمود:
 ندا می‌کند منادی به اسم قائم علیه السلام. گفت: پرسیدم خاص است یا عام؟ فرمود: عام است،
 می‌شنوند هر قومی به زبان خود (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۵۰).
 این روایات حکایت از این می‌کند که مهم‌ترین هدف شیطان از ایجاد این صدا، ایجاد
 تردید و شک در انسان‌ها در پیروی از امام زمان علیه السلام است. ملاحظه می‌گردد شیطان در
 حساس‌ترین موقعیت دشمنی خود را با دین خدا و امام زمان علیه السلام بروز می‌دهد و با گمراه نمودن
 گروه‌های زیادی از مردم و ایجاد تردید در درستی و صدق صیحه آسمانی زمینه هلاکت و
 نابودی بسیاری از مردم جاهل را فراهم می‌سازد.

اتهام دین جدید

بسیاری از مسلمانان در دوران ظهور، امام زمان علیه السلام را متهم می‌کنند که دین جدید آورده و با
 شریعت اسلام مخالفت و مغایرت دارد. بسیاری از بدعت‌ها و خرافاتی که سال‌ها آنان به عنوان
 دین و مناسک اسلامی به آن اعتقاد داشتند با ظهور اسلام راستین و منطبق با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
 و تعالیم واقعی قرآن در هم می‌ریزد به نحوی که امام زمان علیه السلام را متهم می‌کنند که دین جدید
 آورده و تعالیم امام مغایر با اسلام است و بسیاری از مردم نیز این ادعا را باور می‌کنند و در
 پیروی از دشمنان امام زمان علیه السلام به مبارزه با امام و پیروان او می‌پردازند. یکی از رسالت‌های امام
 زمان علیه السلام پیراستن اسلام از این آلودگی‌ها و خرافات است (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۳۲۰).
 ابوبصیر گوید:

امام باقر علیه السلام فرمود: آن قائم، به امری نوین و کتابی تازه و قضایی جدید قیام خواهد
 نمود، بر عرب سخت گران است. او را کاری جز با شمشیر نیست، توبه هیچ کس را
 نمی‌پذیرد، و در کار خدا از ملامت هیچ شخص خرده‌گیری باک ندارد (ابن ابی زینب،
 ۱۳۶۷ش: ترجمه غفاری، ۳۲۸).

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:
 اسلام به غریبی آشکار شد و همان‌گونه که شروع شده غریب خواهد گردید، پس خوشا به
 حال غریبان، عرض کردم: خداوند حال شما را اصلاح فرماید این را برای من شرح دهید،
 فرمود: دعوت‌کننده ما دعوت نوینی را از سر می‌گیرد، همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دعوت
 فرمود (همان: ۴۴۶).

اتهام تأویل در قرآن و استناد به قرآن با تنظیم امام علی علیه السلام

از زمان فوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تا زمان ظهور، منافقین و غاصبین ولایت، مردم را از اهل بیت

علیه السلام و تعالیم آنها دور نگه داشته و برخلاف فرموده پیامبر ﷺ مفاهیم قرآنی را مغایر با گفتار و کردار ائمه معصومین علیهم السلام معرفی کرده‌اند. با ظهور امام زمان علیهما السلام و ایجاد زمینه روشن شدن مفاهیم ناب قرآن و دسترسی به بطن قرآن در سایه علم امام و پرده برداری از روی حقایق قرآن، عده‌ای به مخالفت برخاسته و با تکیه به ظواهر قرآن و کج فهمی خود از معارف اسلامی، امام را به تأویل نادرست از قرآن متهم می‌سازند و به مقابله با امام می‌پردازند.

امام علی علیهما السلام در ضمن سخنی فرمود:

إِنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي عِنْدِي لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ وَالْأَوْصِيَاءُ مِنْ وُلْدِي قَالَ عُمَرُ فَهَلْ لِظَهَارِهِ وَقْتُ مَعْلُومٍ؟ فَقَالَ ﷺ نَعَمْ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي يَظْهَرُهُ وَيَحْمِلُ النَّاسُ عَلَيْهِ فَتَجْرِي السُّنَّةُ بِهِ (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۵۶؛ اشعری قی، ۱۳۶۰: ش ۲۲۱):

به قرآنی که نزد من است، جز پاکان و جانشینان از فرزندانم به آن دست نمی‌یابند. عمر پرسید آیا زمان معلومی برای ظاهر کردن آن هست؟ آن امام فرمود: آری، وقتی قائم علیهما السلام از فرزندانم قیام کند، آن را ظاهر می‌کند و مردم را به عمل کردن به آن وادار می‌نماید و سنت طبق آن جاری می‌شود.

امام زمان علیهما السلام در هنگام ظهور، قرآن را به همان کیفیت که امام علی علیهما السلام جمع‌آوری و مرتب نموده بود می‌آورد، که به نظر مردم، سخت و دشوار است که قرآن را خلاف نظم و ترتیب کنونی که متعلق به عثمان است، بیابند، و از در دشمنی با ایشان در می‌آیند. امام زمان علیهما السلام خیمه‌ها در مسجد کوفه نصب نموده مردم را به یاد گرفتن قرآن با تأویل و تفسیر آن امر می‌کند.

حبه عنری گوید:

امیرالمؤمنین علیهما السلام فرمود: گوئی هم اکنون به شیعیانمان در مسجد کوفه می‌نگرم که خیمه‌ها زده‌اند و قرآن را بدان گونه که نازل شده است به مردم می‌آموزند (ابن ابی زینب، ۱۳۶۷: ش: ترجمه غفاری، ۴۴۱).

جابر از امام محمد باقر علیهما السلام نقل کرده که فرمود:

هرگاه قائم آل محمد علیهما السلام قیام کند خیمه‌هایی نصب می‌کند برای کسانی که قرآن را همان طور که نازل شده به مردم تعلیم دهند در آن روز، این مشکل‌ترین کارهاست. زیرا آن قرآن به عکس قرآن فعلی جمع‌آوری شده است (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ق: ۲۹۷).

فضیل بن یسار گوید:

شنیدم امام صادق علیهما السلام می‌فرمود: قائم علیهما السلام ما چون قیام کند از جهل مردم شدیدتر از آنچه رسول خدا ﷺ با آن از سوی نادانان جاهلیت روبرو شد برخورد می‌کند، عرض کردم: این چگونه ممکن است؟ فرمود: همانا رسول خدا ﷺ در حالی به سوی مردم آمد که آنان

سنگ و کلوخ و چوب‌های تراشیده و مجسمه‌های چوبین را می‌پرستیدند، و قائم علیه السلام ما چون قیام کند در حالی به سوی مردم می‌آید که جملگی کتاب خدا را علیه او تأویل می‌کنند و بر او بدان احتجاج می‌نمایند، سپس فرمود: بدانید به خدا سوگند که موج دادگستری او بدان‌گونه که گرما و سرما نفوذ می‌کند تا درون خانه‌های آنان راه خواهد یافت (ابن ابی زینب، ۱۳۶۷ش: ترجمه غفاری، ۴۱۴).

یکی از مصیبت‌هایی که بشر در دوران غیبت با آن مواجه است علاوه بر عدم دسترسی به امام حق که راهنمای راه درست است، مواجه با سوءاستفاده از مفاهیم قرآنی و تأویل‌های نادرست از قرآن است. مهجوریت از قرآنی که به ترتیب نزول و با تفسیر امام علی علیه السلام تنظیم گردیده است، موجب گردیده است که بخش اعظم مفاهیم نورانی قرآن در حجاب قرار گیرد و تنها با ظهور امام زمان علیه السلام از محاق خارج خواهد شد.

امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه، به سیره حکومتی امام زمان علیه السلام اشاره نموده که ایشان رأی مردم را به قرآن باز می‌گرداند در زمانی که آنها قرآن را به رأی و اندیشه خود مبدل کرده‌اند. هنگامی که مردم از قرآن چشم پوشیده و امور را طبق اندیشه نادرست خود پیش برند، ایشان مردم را از به کار بستن اندیشه‌های نادرست، نهی، و به رجوع به قرآن و او می‌دارد تا به دستور کتاب خدا رفتار کنند و مخالف آن را دور اندازند (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۱۵).

دوازدهمین فرزندم از نظرها پنهان می‌گردد و دیده نمی‌شود و زمانی بر پیروان من خواهد آمد که از اسلام جز نام و از قرآن جز نقشی باقی نماند. در این هنگام خداوند بزرگ به او (مهدی) اجازه می‌دهد و اسلام را با او آشکار و تجدید می‌کند.

نکته دردناک این است که در زمان ظهور، برخی در مقابل نسخه اصیل قرآن و تأویل راستین از کتاب خدا قرار می‌گیرند و به مخالفت امام زمان علیه السلام می‌پردازند. آنان با تأویل نادرست از قرآن، کتاب خدا را ابزاری برای مقابله با امام زمان علیه السلام قرار می‌دهند و موجب گمراهی و هلاکت بسیاری از مردم می‌شوند.

جوانی امام علیه السلام

برخی به دلیل این که امام زمان علیه السلام با چهره جوان ظهور می‌کنند و به دلیل نخوت و خودبینی و یا به بهانه زمان طولانی دوران غیبت، امام علیه السلام را تکذیب می‌کنند و به مخالفت با ایشان برمی‌خیزند. به نوعی این مخالفت ناشی از غرور و از دست دادن موقعیت اجتماعی و شیخوخیت عده‌ای از متنفذین شکل می‌گیرد و به بهانه این که یک فرد جوان مسئولیت

جامعه جهانی را به عهده بگیرد که شاید تجربه و دانش کافی نداشته باشد و قدر و منزلت بزرگان را نشناسد، با امام زمان علیه السلام مخالفت می‌کنند.

شیخ طوسی قریب هزار سال پیش با ادله عقلی و نقلی طول عمر امام زمان علیه السلام را ثابت نموده و تمام اشکالات مخالفین را پاسخ گفته و جای شك و شبهه و سخنی برای کسی نگذاشته است و پس از ایشان در کتب بسیاری به این موضوع پرداخته شده است.

علی بن ابی حمزه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:

اگر قائم علیه السلام قیام کند حتما مردم او را انکار می‌کنند، زیرا او به صورت جوانی برومند به سوی ایشان بازمی‌گردد، کسی بر عقیده خود نسبت به او پایدار نمی‌ماند مگر آن کس که خداوند در عالم ذر نخستین از او پیمان گرفته باشد. در روایت دیگری غیر از این روایت چنین است که آن حضرت فرمود: و از بزرگ‌ترین گرفتاری‌ها آن است که صاحب موعود ایشان به چهره جوانی بر آنان خروج می‌کند در حالی که آنان می‌پندارند که او باید پیرمردی کهن سال باشد (ابن ابی زینب، ۱۳۶۷ ش: ترجمه غفاری، ۲۶۸).

یکی از لجاجت‌های مخالفین امام زمان علیه السلام نفی آیات الهی و عاجز دانستن خداوند برای حفظ جوانی امام زمان علیه السلام علیرغم عمر طولانی ایشان می‌باشد. همه می‌دانیم که صریح قرآن داستان اصحاب کهف را به عنوان آیات الهی مطرح کرده و چند جوان حدود سیصد سال زنده بودند و با همان شرایط که به خواب رفته بودند بیدار می‌شوند. اما مخالفین امام زمان علیه السلام یا طول عمر ایشان را نفی می‌کنند و یا انتظار دارند ایشان با چهره پیرمردی کهنسال ظهور نمایند. همان‌طور که در حدیث فوق از امام صادق علیه السلام نقل گردید، دلیل مخالفت و رویگردانی برخی از مردم از امام زمان علیه السلام جوانی ایشان ذکر گردیده است. امام صادق علیه السلام در این حدیث وضعیت امام زمان علیه السلام را به صورت جوان سی و دو ساله ذکر می‌کنند که بعد از حدود ۱۲۰ سال غیبت صغری و سال‌های متمادی غیبت کبری اتفاق می‌افتد. آنان که به خداوند و قدرت لایزال او اعتقاد دارند و نشانه‌ها و تمثیل‌های قرآن را باور دارند، هیچ‌گاه دچار تردید در مورد سن و ظاهر امام زمان علیه السلام نخواهند شد و به پیروی امام در زمان ظهور هدایت خواهند شد.

مبارزه قهری و قاطع امام علیه السلام با دشمنان

در زمان ظهور خداوند تسلط و برتری و ابزار مقابله با دشمنان را در اختیار امام زمان علیه السلام قرار می‌دهد به صورتی که بسیاری از دشمنان امام در جنگ‌ها و مبارزات قهری منکوب و نابود می‌شوند. بخش عمده‌ای از معاندین که در میان مسلمانان و جامعه فتنه ایجاد می‌کنند

شناسایی و مجازات می‌شوند. این سطح از جنگ‌ها و نابودی معارضین از زمان امام علی علیه السلام در میان مسلمانان سابقه نداشته و خود موجب بروز دشمنی‌هایی می‌گردد. کسانی به دلایل مختلف از جمله جلوگیری از نابودی پشتوانه‌های قدرت خود که در صف دشمنان قرار دارند یا فرار از مبارزه و شرکت در جهاد و مبارزات که احتمال کشته شدن دارد به مخالفت با امام زمان علیه السلام می‌پردازند و روش مبارزه ایشان را تخطئه می‌کنند.

قضاوت به باطن و اجرای احکام شرعی و دریافت زکات و وجوهات

یکی از روش‌هایی که امام زمان علیه السلام به عنوان عدالت‌گستر جهانی مبنای قضاوت و داوری خویش قرار می‌دهند قضاوت به باطن افراد است، یعنی وجود مقدس ایشان همچون حضرت داوود علیه السلام چنان‌که در روایت امام صادق علیه السلام آمده، حکم به باطن افراد می‌کند و نیاز به گواه و شاهد ندارد. امام صادق علیه السلام فرمود:

آن زمان که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، مانند حضرت داوود و سلیمان علیه السلام داوری کند و از مردم بی‌بینه نخواهد (صفا، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۲۵۹).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

دنیا به پایان نرسد تا این که مردی از ما اهل بیت قیام کند. او مانند داوود و خاندان داوود داوری می‌کند و از مردم بی‌بینه نمی‌خواهد (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۹).

امام صادق علیه السلام فرمود:

او مانند آل داوود و سلیمان قضاوت می‌کند و بی‌بینه نمی‌خواهد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۸۶).

امام صادق علیه السلام فرمود:

آن زمان که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، مانند داوود میان مردم قضاوت می‌کند و نیاز به بی‌بینه و شاهد ندارد. خداوند به او الهام می‌کند و او به علم خدا دادی خود به قضاوت می‌پردازد (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۳۱۳).

ابان گوید: با امام صادق علیه السلام در مسجد الحرام بودم. آن حضرت دست مرا گرفت و فرمود: ای

ابان... سپس منادی به فرمان او ندا در می‌دهد: این مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه است. او مانند داوود و سلیمان قضاوت می‌کند و بی‌بینه نمی‌طلبد.

امام زمان علیه السلام در اجرای احکام الهی هیچ‌گونه مسامحه‌ای نمی‌کنند و محدودیتی برای اقامه عدل و انجام حدود الهی ندارند.

احکامی که در نظر اول با متون فقهی موجود و گاهی با ظواهر روایات و سنت سازگاری

ندارد. قانون ارث برادر در عالم ذر، کشتن شرابخوار، کشتن فرد بی نماز، اعدام دروغگو، تحریم سودگرفتن از مؤمن در معاملات، نابودی مناره‌های مساجد و برداشتن سقف مساجد از آن جمله است (طبسی، ۱۳۹۲ ش: ۱۹۱).

البته ذکر چند نکته در این باره ضروری است:

- اول این که برخی از احکام الهی هرچند از سوی خداوند پایه‌ریزی شده است، ولی شرایط اعلام و اجرای آن در زمان ظهور امام زمان علیه السلام فراهم می‌شود و اوست که آن احکام را اعلام و اجرا می‌کند؛

- دوم این که با گذشت زمان به وسیله زورمندان و تحریف‌گران، دگرگونی‌ها و تحریفاتی در احکام الهی پدید آمده است و امام زمان علیه السلام پس از ظهور آنها را تصحیح و تعدیل می‌کند؛
- سوم این که چون فقها در استنباط حکم شرعی، از یک سلسله قواعد و اصول بهره می‌جویند، گاهی حکمی را که استنباط کرده‌اند با حکم واقع مطابقت ندارد؛ هرچند نتیجه آن استنباط برای مجتهد و مقلدینش حجت شرعی است؛ ولی در حکومت امام زمان علیه السلام، امام احکام واقعی را بیان می‌فرماید؛

- چهارم این که برخی از احکام شرعی در شرایطی خاص و اضطراری و برای تقیه به صورت غیرواقعی اعلام شده است که در روزگار امام زمان علیه السلام تقیه برداشته می‌شود و حکم واقعی بیان می‌گردد (طبسی، ۱۳۹۲ ش: ۱۹۱).

به این جهت بسیاری از کسانی که از مساوات و عدالت در مقابل قوانین متضرر می‌شوند سر به مخالفت بر می‌دارند. همچنین کسانی که از پرداخت زکات و خمس و سایر وجوهات شرعی خودداری می‌کردند یا با تسلط بر انفال از منافع نامشروع برخوردار بودند در زمان ظهور برای اموال و دارائی‌های نامشروع خود به دشمنی و مخالفت با امام زمان علیه السلام می‌پردازند.

محاكمه لات و عزی (جبت و طاغوت)

در احادیث شیعه سرسلسله غاصبین ولایت و گمراه‌کنندگان مردم و تحریف‌کنندگان در دین با عناوین خاص ذکر گردیده‌اند. یکی از ویژگی‌های دوران ظهور محاکمه و مجازات این دشمنان می‌باشد. دوستداران و فریفتگان این دو نیز از جمله مخالفان امام زمان علیه السلام به شمار می‌روند که در زمان مقابله با آنها برآشفته می‌شوند و با هرابزاری که دارند چه در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی و چه به صورت قهری و نظامی به مبارزه با امام زمان علیه السلام و پیروان آن حضرت می‌پردازند.

سابقه ظلم برخی از بنی هاشم

در دوران غیبت تاریخ شاهد فراز و فرود اقوام و حکومت‌ها بوده است و هر از چندگاهی گروهی بر اریکه قدرت تکیه زده‌اند و از خوان قدرت بهره‌مند شده‌اند. در این میان بعید نیست که برخی از بنی هاشم نیز به‌ویژه در نزدیکی زمان ظهور صاحب قدرت و حکومت باشند و همان‌طور که در روایات نقل شده است مردم با توجه به ستم‌هایی که در دوره قدرت بنی هاشم دیده‌اند از امام زمان علیه السلام دوری کنند و به مخالفت با ایشان پردازند. در زمان ما نیز برخی از حکام جور نظیر حکام خائن اردن هاشمی خود را به بنی هاشم منتسب می‌کنند و در خیانت به مسلمانان و فلسطینیان دست دوستی به صهیونیست‌ها می‌دهند.

در تاریخ نیز فاطمیون مصر، دیلمیان و صفویان با نام و انتساب به ائمه اطهار علیهم السلام حکومت کرده‌اند و بعضاً ستم‌هایی کرده‌اند که عوام در زمان ظهور به آنها استناد می‌کنند. البته باید توجه داشت که در حدیث به ظلم بنی هاشم اشاره شده که منحصر به فرزندان و سادات اولاد حضرت فاطمه علیها السلام نمی‌باشد و بنی عباس و سایر بخش‌های بنی هاشم را نیز شامل می‌شود و چه بسا در روایت به دلیل مسائل آن روزگار اشاره به بنی هاشم مستقیماً خلفای ظالم بنی عباس بوده‌اند که بسیاری از ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله را به شهادت رسانده‌اند و عوام با توجه به این سوابق ذهنی امام زمان علیه السلام را جزئی از بنی هاشم و ادامه‌دهنده روش ظالمانه آنان تصور می‌کنند.

نتیجه‌گیری

براساس نتایج این تحقیق و با توجه به آیات و روایات مرتبط با موضوع، مشخص گردید که مخالفان امام زمان علیه السلام در زمان ظهور شامل غیرمسلمانان به‌ویژه یهودیان، کفار و مشرکان بوده و در میان مسلمانان چه در جوامع شیعی و چه در جوامع اهل سنت مهم‌ترین مخالفان شامل منافقین، دینداران بی‌بصیرت، دنیاطلبان، عافیت‌جویان و قدرت‌طلبان می‌باشند. در زیارت جامعه کبیره فهرستی از دشمنان ائمه اطهار علیهم السلام که از آنها براءت می‌جوئیم ذکر گردیده است:

بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنْ الْجَبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحِزْبِهِمُ
الظَّالِمِينَ لَكُمْ [وَ] الْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَالْمَارِقِينَ مِنْ وِلَايَتِكُمْ وَالْعَاصِبِينَ لِإِتِّكُم [وَ]
الشَّاكِينَ فِيكُمْ [وَ] الْمُتَنَحِّرِينَ عَنْكُمْ وَمِنْ كُلِّ وِلِيَّةٍ دُونَكُمْ وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ وَمِنْ

الْأُمَّتِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ فَثَبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مَوْلَاتِكُمْ وَحَبَّبْتِكُمْ وَدِينِكُمْ
وَوَفَّقَنِي لِمَطَاعَتِكُمْ وَرَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ (مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره)؛

به سوی خدا از دشمنان تان بیزار می‌جویم و و نیز بیزاری نمودم از جبت (اولی) و طاعت (دومی) و شیاطین و گروه‌شان، آن ستم‌کنندگان به شما و منکران حقتان و خارج‌شدگان از ولایت تان و غصب‌کنندگان میراث تان و شک‌کنندگان در حقانیت تان و منحرف‌شوندگان از حضرت تان و از هر آنچه به غیر شما وارد در دین شده و از دین نیست و از هر اطاعت شده‌ای جز شما و از رهبرانی که مردم را به آتش دوزخ می‌خوانند، پس خدا همیشه پابرجایم بدارد، تا که زنده‌ام بر موالات و محبت و دین شما و به اطاعت از شما موقفم فرماید و شفاعت شما را نصیبم کند.

وجه مشترک مخالفان امام زمان علیه السلام را می‌توان مخالفت آنان با دلیل اصلی ظهور که همانا اقامه عدل و مبارزه با ظلم می‌باشد، عنوان کرد. در این میان گروه‌های مختلف بنابر انگیزه‌های گوناگون و متناسب با ریشه‌های تاریخی و عقیدتی به مخالفت با امام زمان علیه السلام می‌پردازند. نکته قابل توجه این است که هر آنچه موجب مخالفت و مبارزه با اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گردیده است، به عنوان دلایل مخالفت با امام زمان علیه السلام نیز مطرح می‌باشد. برای غیرمسلمانان، نژادپرستی، برتری‌جویی و دشمنی با دین اسلام و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مهم‌ترین دلایل مخالفت ذکر گردید.

برخی از مسلمانان نیز به دلیل پیروی از صیحه شیطانی، اتهام دین جدید، اتهام تأویل در قرآن و استناد به قرآن با تنظیم امام علی علیه السلام، جوانی امام، مبارزه قهری و قاطع امام زمان علیه السلام با دشمنان، قضاوت به باطن و اجرای احکام شرعی، مبارزه با جبت و طاغوت و سابقه ظلم برخی از بنی‌هاشم با امام زمان علیه السلام مخالفت می‌نمایند.

منابع

قرآن کریم

مفاتیح الجنان

نهج البلاغه

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۶ ش)، الغیبه، ترجمه: محمدجواد غفاری، تهران: صدوق، دوم.

۲. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ ق)، الغیبه للنعمانی، تهران: صدوق.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷ ش)، کمال‌الدین و تمام النعمه، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای،

تهران: اسلامیه.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین وتمام‌النعمة*، تهران: اسلامیه، دوم.

۵. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۲ش)، *کشف‌الغمة*، ترجمه: علی بن حسین زواره‌ای، تهران: اسلامیه، سوم.

۶. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف‌الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز: بنی‌هاشمی.

۷. اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰ش)، *المقالات والفرق*، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، دوم.

۸. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الأئمة فی النص علی الأئمة الإثنی عشر*، قم: بیدار.

۹. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ع*، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، دوم.

۱۰. طبرسی، ابومنصور (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج*، مشهد: نشر المرتضی، اول.

۱۱. طبسی، نجم‌الدین (۱۳۹۲ش)، *نشانه‌هایی از دولت موعود*، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ششم.

۱۲. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمية، اول.

۱۳. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة‌الله (۱۴۰۷ق)، *الدعوات (للاوندی) / سلوة الحزین*، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی ع، اول.

۱۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب، سوم.

۱۵. قمی، عباس (۱۳۸۹ش)، *مفاتیح الجنان*، مشهد: به نشر انتشارات آستان قدس رضوی)، اول.

۱۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید، اول.

۱۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص*، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشيخ المفید، اول.